روزنه

محمدرضا باهنر:

در پرونده انفجار نخست‌وزیری نمی‌شد مقامات را متهم کرد

● **خبرآنلاین:** محمدرضا باهنر، دبیرکل جامعه مهندسین، گفت: در پرونده عوامل هشتم شهریور، گرایش‌های سیاسی، بحث‌ها و حرف‌هایی مطرح بود که فکر می‌کنم طرح دوباره آنها به نفع هیچ‌کس نیست. درباره این پرونده مطالعاتی کرده بودم؛ در ضمن، دوستانی که روی این پرونده کار می‌کردند، ممکن است شواهد نادری داشته باشند؛ اما در کلان پرونده، به نظر می‌رسید مسئله چشمگیر یا دستگیری جدی حقوقی که یک عده‌ای را بتوان متهم و دخیل دانست، آن‌هم در میان مقامات وقت کشور، وجود نداشت و ماجرا مقداری تحت‌تاثیر مسائل هیجانی و عاطفی آن زمان بود. معتقدم این مقوله را اگر به رسانه‌ها نکشانیم، شاید به نفع‌مان باشد. او افزود: من خاطره‌ای از شهید باهنر در اوایل پیروزی انقلاب بیان می‌کنم؛ جلسه محرمانه‌ای با حضور شهدای بزرگواری مانند شهیدان بهشتی، مطهری و مفتح بود و به نوعی جلسه شورای انقلاب در منزل شهید باهنر برگزار شد. من آنجا بودم و چای می‌بردم. بعد از جلسه از شهید باهنر سؤال کردم این آقایان علما بعضا زندگی‌های خوبی دارند، پس سمبل این زی‌طلبگی که حضرت امام تکرار می‌کنند، چه‌کسی می‌تواند باشد که به او مراجعه کنیم؟ شهید باهنر گفت «اگر زی‌طلبگی می‌خواهی، برو سراغ آسیدعلی و او را بچسب. او به‌شدت مراعات و مراقبت می‌کند که ساده‌زیست باشد». الان اگر این بحث‌ها مطرح شود، ممکن است برخی این را طور دیگری تلقی کنند؛ اما من این را به عنوان یک خاطره از سال ۵۸ نقل می‌کنم. آن زمان حضرت آقا اشتهار چندانی بین انقلابیون نداشتند و افراد زیادی ایشان را نمی‌شناختند؛ اما شهید باهنر ایشان را مصداق ساده‌زیستی مدنظر امام(ره) می‌دانست.او ادامه داد: اختلافات در آن دوران، اختلافات خانواده انقلاب با خانواده غیرانقلاب و بعضا ضدانقلاب بود. آن موقع هم دعواها جدی بود. مسائلی که حتی برخی از آقایان روحانیون به وجود آوردند. روحانیونی بودند که قبل از انقلاب، انقلابی بودند و بعد شدند تئوری‌پرداز منافقین! یا عزیزانی بودند که قبل از انقلاب کشته و مرده درس اخلاقشان بودیم و کتاب‌هایشان را قاچاقی پیدا می‌کردیم و نوارهای سخنرانی آنها را تکثیر و توزیع می‌کردیم، ولی بعدا سر از دستگاه صدام درآوردند و علیه ایران در رادیوی عراق صحبت کردند! از این موارد متأسفانه زیاد داشتیم.

نگاهی به فرازوفرود یک حزب اصولگرا

چرا فدایی می‌رود؟

شرق، مهسا جزینی: دبیرکلی که هیچ‌وقت با رسانه‌های اصلاح‌طلب گفت‌وگو نمی‌کند قرار است کنار برود و جایش را به یک جوان‌تر بدهد. بعید است در سیاست‌های آتی این حزب اصولگرا حتی با رفتن حسین فدایی تغییرات خاصی رخ دهد. البته این فقط یک احتمال است، چون سیاست‌های این حزب پیش از این تغییرات دیگری هم به خود دیده است. آنها یک زمانی حامی شش‌دانگ احمدی‌نژاد بودند، اما زمانی دیگر رأی به اخراجش از حزب دادند.جمعیت ایثارگران تلاش زیادی کرده است تا در این سال‌ها نقشی محوری در جریان اصولگرایی پیدا کند. تلاش‌هایش را هم از همان سال ۸۴ آغاز کرد که برخلاف نظر شورای هماهنگی نیروهای انقلاب در دور نخست انتخابات، به دنبال قالیباف رفت. سال ۹۶ اما بالاخره موفق شد این نقش محوری را تکمیل کند و به آرزویش برسد. شاید برای همین به دبیرکلش، «حسین فدایی»، حتی لقب مرد پشت‌پرده اصولگرایی هم داده‌اند. برآیند فعالیت‌هایشان اما چندان چنگی به دل نمی‌زند؛ نمونه‌اش شکست اصولگرایان در انتخابات اخیر بود. می‌گفتند پشت‌پرده تصمیمات جمنا (جبهه مردمی نیروهای انقلاب) جمعیت ایثارگران و دوقلویش، جمعیت رهپویان انقلاب، متعلق به زاکانی قرار دارند و نهایتا خروجی ماجرا هم به پای همین‌ها نوشته شد. حالا دبیرکل این حزب؛ یعنی حسین فدایی، اعلام کرده که می‌خواهد کنار برود تا به‌جایش یک جوان‌تر دبیرکل شود. احتمالا نارضایتی از نتیجه انتخابات درون بدنه جریان اصولگرایی و همین احزاب کوچک و بزرگ کم نبوده و در تصمیمات رؤسا و دبیران‌کل مؤثر، کناررفتن حسین فدایی می‌تواند نمود این نارضایتی تلقی شود. بسیاری معتقدند رأی و نظر او در جلسات جمنا مبنی‌بر ماندن رئیسی و رفتن قالیباف تأثیر اساسی در خروجی نهایی داشته است.

مشاجره با ناطق‌نوری

حسین فدایی، دبیرکل تاکنون جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی، پیش‌تر عضو سازمان مجاهدین انقلاب، اما با دیدگاه راست بود و برای همین در نتیجه اختلافات به‌وجودآمده از سازمان جدا شد و جمعیت ایثارگران را تأسیس کرد. فدایی از موافقان آیت‌الله راستی‌کاشانی و معتقد به ولایت تام او در سازمان بود. در دور اول انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۴ این جمعیت از نامزدی محمدباقر قالیباف و در دور دوم از نامزدی محمود احمدی‌نژاد حمایت کرد. او در سه دوره مجلس هفتم، هشتم و نهم حضور داشت.شروع دلخوری ناطق از اصولگرایان و به‌ویژه جامعه روحانیت هم از همان روزهای بعد از انتخابات ۸۴ و نقش جمعیت ایثارگران آغاز شد؛ اگرچه در سال ۸۸ سر باز کرد. ناطق‌نوری انتقاداتی را در ماجرای انتخاب احمدی‌نژاد متوجه جریان ایثارگران کرده بود، اما پاسخش با هجمه و حمله ایثارگران روبه‌رو شد.ناطق‌نوری در گفت‌وگویی با انتقاد از رفتار تشکیلاتی جمعیت ایثارگران در انتخابات ۸۴ گفته بود: «ایثارگران در یک مقطعی دیگر خرجشان را از ما جدا کردند.، عنوان شورای هماهنگی نیروهای اجتماعی را برای خود برگزیدند و راهشان از ما جدا شد. ما در ایران حزب نداریم، قبیله داریم و کارهای قبیله‌ای. زمان انتخابات نیز اختلافات قبیله‌ای افزایش پیدا کرد». جمعیت ایثارگران پیش‌تر ناطق را متهم به شیخوخیت کرده بود با این عنوان که نظرش بر یک نامزد است و می‌خواهد آن را به اصولگرایان تحمیل کند، اما ناطق‌نوری گفته بود: «اولا که جمعیت ایثارگران اکثریت مجلس را در اختیار ندارد، ثانیا به‌صراحت می‌گویم که تأثیرگذار هم نیستند. این‌گونه نیست که اکثریت مجلس تابع نظرات آقایان ایثارگران باشند. ضمنا ارزشی‌بودن و معامله‌نکردن معنایش این نیست که حتما از من حمایت کنند یا نظر من را تأیید کنند». ناطق در کنایه‌ای به رفتار غیرتشکیلاتی ایثارگران گفته بود: «آن‌قدر تشکیلاتی بودند که از کل شورای هماهنگی بیرون آمدند، پنج کاندیدا را گذاشتند کنار و رفتند سراغ یک نفر دیگر. حتی به آقای احمدی‌نژاد که عضو شورای مرکزی آنها بود، توجه نکردند و ایشان را به‌عنوان کاندیدای نهایی انتخاب نکردند. در مرحله دوم ناچار شدند از آقای احمدی‌نژاد حمایت کنند چون سخت مخالف آقای هاشمی بودند».ناطق‌نوری راست می‌گفت. حسین فدایی بعدا خودش اعتراف کرد که «ما می‌خواستیم افراد متعلق به اردوگاه توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی رأی نیاورند. این جمع‌بندی ما با اجماع شورای هماهنگی به تصویب رسید که نامزد ما نباید از اردوگاه دوم خرداد باشد؛ کاری کنیم که حتما یک اصولگرا رأی بیاورد و آنها رأی نیاورند. دوم اینکه بحث‌های بسیاری درخصوص آقای هاشمی صورت گرفت و در نهایت اجماع بر این شد که بهتر است آقای هاشمی نیاید و اگر آمد، نامزد ما نخواهد بود». پس از سخنان ناطق، برخی اعضای جمعیت ایثارگران شروع به اتهام‌زنی علیه ناطق کردند. همان زمان از سخنگوی جامعه روحانیت، سؤال شد که آیا قصدی مبنی‌بر حمایت از ناطق ندارند؟ اما پاسخ منفی بود. مصباحی‌مقدم گفته بود در شورای مرکزی چیزی در این خصوص طرح نشده است.

ایثارگران با دیگر بخش‌های جناح اصولگرا هم سرشاخ شدند. به امیر محبیان و حزب تازه‌تأسیسش «نواندیشان ایران اسلامی» هم حمله کردند. محبیان با انتقاد شدید از آنچه «رفتار غیراخلاقی جمعیت ایثارگران و سایت‌های وابسته به آن» می‌نامید گفته بود: «باوجود اینکه هرگز مایل به ورود به این درگیری نبوده و نیستیم، اما به علت این رفتار و تهمت‌هایی که این گروه به حزب نواندیشان می‌زند، از آنها به مراجع قانونی شکایت خواهیم کرد». بخشی از حملات از آن جهت بود که رئیس دفتر ناطق‌نوری، مؤسس و عضو شورای مرکزی حزب «امیر محبیان» شده بود.

بازگشت از احمدی‌نژاد

در تمام طول دوره دولت نهم حامی شش‌دانگ احمدی‌نژاد بود؛ مثلا همان زمان که نامه ۵۶ اقتصاددان به احمدی‌نژاد در نقد سیاست‌های اقتصادی‌اش منتشر شد، جمعیت ایثارگران به شدت به اقتصاددان‌ها حمله کرد و نوشت: «عملکرد دولت نهم و مجلس هفتم با تمام اشکالاتی که ممکن است بر آنها مترتب باشد، قطعا قابل‌دفاع‌تر از دوره هشت‌ساله دولت‌های ماقبل آن و مجلس ششم است. دوره‌ای که اغلب امضاکنندگان نامه از مدافعان آن دوره و دارای گرایش دوم‌خردادی هستند». سال ۸۶ هم وقتی احمدی‌نژاد در دانشگاه کلمبیا سخنرانی کرد، ایثارگران بیانیه داد که: «شجاعت و صلابت جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد در رساندن پیام عدالت‌خواهانه و حق‌مدارانه ملت ایران، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های اخیر ایشان در آمریکا به‌ویژه نطق در مجمع عمومی سازمان ملل و سخنرانی در دانشگاه کلمبیا، نشان‌دهنده دیپلماسی فعال، پویا و موفق دولت است». سال ۸۸ هم همچنان مدافع سرسخت احمدی‌نژاد بود. در مجلس نطق غرایی در حمایت احمدی‌نژاد و علیه موسوی در مجلس ایراد کرد. در یک نطق ۲۰دقیقه‌ای، حمله شدیداللحنی به مخالفان دولت نهم کرد. چهار سال بعد اما محمود احمدی‌نژاد از جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی لغو عضویت شد. فدایی گفته بود: «احمدی‌نژاد پس از ریاست جمهوری دوره نهم، دو جلسه بیشتر در این تشکل شرکت نکرد و در دوره دوم نیز در هیچ جلسه‌ای حضور نیافت و از این رو عملا لغو عضویت شد که با توجه به حضور وی در کسوت ریاست‌جمهوری این موضوع به صورت رسمی اعلام نشده بود». البته ماه‌عسل او و احمدی‌نژاد از یک سال قبل به پایان رسیده بود.

زمانی که ملک‌زاده در دولت احمدی‌نژاد مشاور بود و هم‌زمان مشاور آیت‌الله شاهرودی. فدایی گفت: «معتقدم اگر دادگاه فردی را به عنوان مجرم مشخص کرد، هیچ‌کس حق ندارد او را در مناصب به کار بگیرد».مهدی کوچک‌زاده، محمود احمدی‌نژاد، داوود دانش‌جعفری، فاطمه آلیا و معصومه آباد برخی اعضای سابق جمعیت ایثارگران بودند. باید دید آینده حزبی که چهره اصلی‌اش دیگر تمایلی به ماندن در سمت دبیرکلی ندارد و چهره‌های مهمی را هم از دست داده است، چه خواهد شد.

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **بیماری، شیمی‌درمانی و هزینه‌های بالای درمان:** بیماری خُرد و کلان، مرد و زن، پولدار و فقیر نمی‌شناسد. به سراغ همه می‌آید و البته بستگی به نوع بیماری و درمان آن دارد که در این میان فردی که به بیماری سرطان مبتلا شود، خواسته یا ناخواسته مجبور است برای درمان بیماری خود هزینه‌های بالایی را بپردازد. اما این پایان ماجرا نیست، بلکه وقتی مراحل شیمی‌درمانی شروع شود، هزینه‌هایش بالاتر هم می‌رود و بیمار در پرداخت آن، ناتوان‌تر می‌شود. بیماران اگر به مطب پزشکان متخصص مراجعه کنند، باید حق ویزیت‌های کلانی بپردازند و اگر به درمانگاه‌ها مراجعه کنند تا مبالغ کمتری پرداخت کنند، ناچارند از قبل و تلفنی نوبت بگیرند و یک روز از کارهایشان بازبمانند که البته آن هم به درمانگاه‌های تخصصی بستگی دارد که برای چند روز پس از هماهنگی‌های لازم وقت می‌دهند! قیمت اغلب داروها هم به‌طور سرسام‌آوری افزایش یافته است و داروخانه‌ها هم قیمت داروها را یک‌جا محاسبه و از بیماران اخذ می‌کنند که مشخص نیست قیمت آنها چگونه محاسبه می‌شود که کاربن‌های دفترچه‌ها هم داستان جداگانه‌ای دارد. این روزها خبر بیماری برخی هنرمندان پیش‌کسوت در برخی روزنامه‌ها بازتاب پیدا کرده است، اما تابه‌حال هیچ پاسخی از سوی مسئولان برای رسیدگی به مشکلات درمانی آنان، منتشر نشده است. مسئله‌ای که نگران‌کننده این است که مردم از پرداخت هزینه‌های بالای درمان به ستوه آمده‌اند و هیچ‌کس فریادرس‌شان نیست و اگر بیمار شوند و نتوانند هزینه‌های مداوای خود را بپردازند، تکلیفشان چه خواهد بود؟!

علی اکبر فرقانی

● **تمبرهای کاغذی کجایی که یادت‌به‌خیر!** چرا تمبرهای کاغذی در ادارات پست یافت نمی‌شود؟ به‌عنوان نمونه به دفتر پستی خیابان ۱۷شهریور، پایین‌تر از خیابان کاظمی برای خرید تمبر کاغذی مراجعه کردم، یکی از کارکنان آقا که اخمو هم هست، گفت ۲۶ میلیون تومان دستگاه نقش تمبر خریدیم و گذاشتیم تا با نقش تمبر روی پاکت‌ها حک کنیم. به جای دیگری مراجعه کردم و پاسخ منفی عایدم شد. باید به اطلاع مسئولان مربوطه برسانم، نقش تمبر فقط مخصوص همان روز است، اما تمبرهای کاغذی را هر موقع که اراده کنیم می‌توانیم نامه‌ای بنویسیم و آنها را بچسبانیم و داخل صندوق پست بیندازیم و تاریخ مصرف هم ندارد.

از مراجعه‌کنندگان